



نقش زنان روستایی در حفاظت از محیط زیست با تاکید بر توسعه پایدار

رضا شهریاری¹، پیمان هاشمی رئوف²

1. دانش آموخته کارشناس ارشد تاریخ تشیع

Rezash588272@yahoo.com

2. دانش آموخته کارشناس ارشد ادبیات فارسی

چکیده

با توجه به اهمیت انسان به عنوان هدف توسعه از یک سو و محیط زیست به عنوان بستر فعالیت های انسانی از سوی دیگر، موضوع داشتن حق محیط زیستی سالم برای نسل فعلی و آینده موضوعیت یافت. مناطق روستایی بخش عمده ای از جمعیت و عرصه های کشور را به خود اختصاص داده است و زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت ارتباط نزدیکی با محیط زیست دارند و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از آن بهره مند می شوند. توسعه پایدار مجموعه ای از مسائل اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در بر می گیرد که یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار ابعاد زیست محیطی آن است. در این مقاله با پیش درآمدی بر مفاهیم توسعه پایدار به جایگاه و نقش زنان در جهت حفظ محیط زیست به عنوان کلیدی اساسی در جهت نیل به اهداف توسعه پایدار پرداخته شده است و در پایان راهکارهایی در جهت دستیابی به این مهم پیشنهاد گردیده است.

کلیدواژگان: زنان روستایی، حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار

مقدمه

بحث محیط زیست و آلودگی آن دیرزمانی است که دیگر تنها مشکل صنایع و سازمان یا مشکل ملی تلقی نمی شود. در حال حاضر دنیا با بحران های زیست محیطی روبرو است به طوری که دیگر موانع و مشکلات محیط زیستی ناشی از توسعه مورد پذیرش جهانی نیست (Farashi, 2010). موضوع حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن به عنوان یکی از مهم ترین چالش های فراوری جامعه جهانی مطرح شده است. زنان می توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند (روح افزا و اکرامی، 1388). زنان با توجه به نقشی که در عرصه های گوناگون دارند، قادر به تاثیرگذاری بسیار بر محیط زیست هستند در بسیاری از نقاط دنیا به ویژه نقاط روستایی، زنان از مهم ترین نیروهای درگیر کشاورزی و در نتیجه ارتباط مستقیم با محیط زیست دارند (اکبری، 1391). همچنین به دلیل آنکه فرهنگ اولیه و پرورش و تربیت کودکان به وسیله ی مادر صورت می گیرد و نقش وی در این مرحله بر هیچ کس پوشیده نیست، می توان امیدوار بود که کم کم، باورهای زیست محیطی در جامعه نهادینه شود و در همان سال های آغازین تولد، کودک با فرهنگ نگاه داری از محیط زیست آشنا شود و دیگر این که نقش مهم زنان، با مصرف و صرف گرایی پیوند دارد و آنان در مصرف و تغییر الگوی آن نقشی مهم بازی می کنند (رضانی قوام آبادی، 1388). زنان روستایی به عنوان بخشی از سرمایه های انسانی هر جامعه، با مشارکت خود می توانند نقش تعیین کننده ای در جامعه روستا و نهایتاً در اداره امور کشور داشته باشند (Kasomo, 2012). مشارکت زنان صرفاً به مفهوم بهره مندی آنان از مزایا و نتایج برنامه های توسعه نیست بلکه آنان باید در اجرای برنامه ها و طرح های توسعه، مشارکت فعالانه داشته باشند (ایکدر، 1391). بنابراین نقش زنان در مدیریت محیط زیست از جنبه های مختلف قابل بررسی می باشد. اول آن که زن به طور فطری تمایل بیشتری به حفظ محیط زیست دارد. دوم آن که از دیدگاه تاریخی، اجتماعی و خانوادگی زن به منزله ی حافظ محیط زیست شناخته شده است و سوم آن که به دلیل نوع فعالیت زن و ارتباط بیشتر وی با محیط زیست خطرات ناشی از آلودگی محیط بیشتر متوجه اوست همه ی این عوامل باعث آن شده که امروزه آموزش و مشارکت زنان در حفاظت از محیط زیست و مدیریت آن بیش از پیش مورد توجه قرار زنان در پایداری محیط زیست نقش عمده ای دارند (اکبری، 1391). متخصصان معتقدند که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان از جمله زنان روستایی در